

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، صفحات ۶۵-۸۳

بررسی نگرش کشاورزان نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی: مطالعه موردی دهستان میاندر بند، شهرستان کرمانشاه

فاطمه مرام، کیومرث زرافشانی، و علی اصغر میرک‌زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۳۱

چکیده

اهمیت شناخت نگرش مثبت یا منفی کشاورزان در مورد اجرای برنامه‌های توسعه روستایی به طور اعم و راه‌اندازی تشکلهایی نظیر شرکت‌های سهامی زراعی به طور اخص بر کسی پوشیده نیست. از این-رو، مطالعه کیفی حاضر با هدف شناخت نگرش کشاورزان نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی در دو روستای تکیه و سرابله در شهرستان کرمانشاه صورت گرفت. برای گردآوری اطلاعات، از مصاحبه عمیق و گروه‌های متمرکز استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای هدایت‌شده نشان داد که پنج مقوله «عدم آگاهی اعضا از اهداف شرکت»، «عدم وجود روابط اجتماعی مناسب مدیران با سهامداران»، «عدم مشارکت سهامداران»، «عدم وجود بستر مناسب اجتماعی»، و «ضعف در زمینه‌های قانونی» در شکل‌گیری نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی تأثیرگذارند؛ همچنین، دو مقوله جدید «تجربه‌های تلخ گذشته» و «نارضایتی کشاورزان از عملکرد برخی سازمان‌های دولتی بعد از انقلاب» آشکار شد و بدین ترتیب، مدل مفهومی برگرفته

* به ترتیب، نویسنده مسئول و کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی (fa_maram@yahoo.com)؛ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ و استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه.

از متون گذشته نیز تأیید و تکمیل شد. از سوی دیگر، نتایج روایی مطالعه به روش وارسی توسط همکاران نشان داد که مقوله‌هایی همچون «نبود تکلیف مالکیت سهام در بین وراث پس از فوت رئیس خانوار»، «محو تدریجی تجارب و دانش بومی سهامداران در مدیریت مزرعه»، «بی‌اعتبار شدن تدریجی بنیان‌های ارتباطی مردم روستا» و «مهاجرت کشاورزان به شهرها» می‌توانند در نوع نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی بسیار تأثیرگذار باشند.

کلیدواژه‌ها: نگرش، شرکت‌های سهامی زراعی، تحلیل محتوای هدایت‌شده، کرمانشاه (شهرستان)، میاندربند (دهستان).

مقدمه

پس از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱، و بروز مسائلی چون خردی و پراکندگی اراضی، خلاء مدیریت تولید، عدم توانایی در اداره منابع آب و فقدان برنامه‌ریزی کشت منظم (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۴۰۵)، دولت وقت در سال ۱۳۴۶ اقدام به راه‌اندازی تشکلهایی همچون شرکت‌های سهامی زراعی کرد (وثوقی، ۱۳۶۹: ۱۴۷). در طول یک دهه فعالیت این شرکت‌ها (۵۷-۱۳۴۷)، تعداد ۹۳ شرکت سهامی زراعی در ۸۵۱ روستا به مساحت ۴۱۱ هزار هکتار با ۳۵ هزار سهامدار تشکیل شد (ازکیا، ۱۳۷۸: ۲۳۴). اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تعدادی قابل توجه از شرکت‌های سهامی زراعی منحل و اراضی آنها بین اعضا و یا روستاییان منطقه تقسیم شد (وزارت کشاورزی، ۱۳۷۲: ۹۱؛ توحید، ۱۳۶۹: ۱۱۲). در این راستا، به باور ازکیا (۱۳۷۸: ۲۳۶)، گاه مسؤلان وقت به‌منظور جلب رضایت و مشارکت مردم در راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی از اجبار و قدرت دولتی استفاده می‌کردند. این مسئله از آنجا ریشه می‌گرفت که بر اساس قانون مصوب این شرکت‌ها، تنها رأی ۵۱ درصد مردم منطقه مد نظر بود و به دیگر سخن، مشارکت و رضایت همه افراد روستا مهم نبود (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۴۰۸). از سویی، اکنون که بیش از سه دهه از انحلال تعدادی قابل توجه از شرکت‌های سهامی زراعی می‌گذرد، مسؤلان سازمان تعاون روستایی با مشاهده مشکلات متعدد همچون ناکارآمد بودن بسیاری از تعاونی‌ها (امینی و رضایی، ۱۳۸۵: ۱۲۱؛ امینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۸۵؛

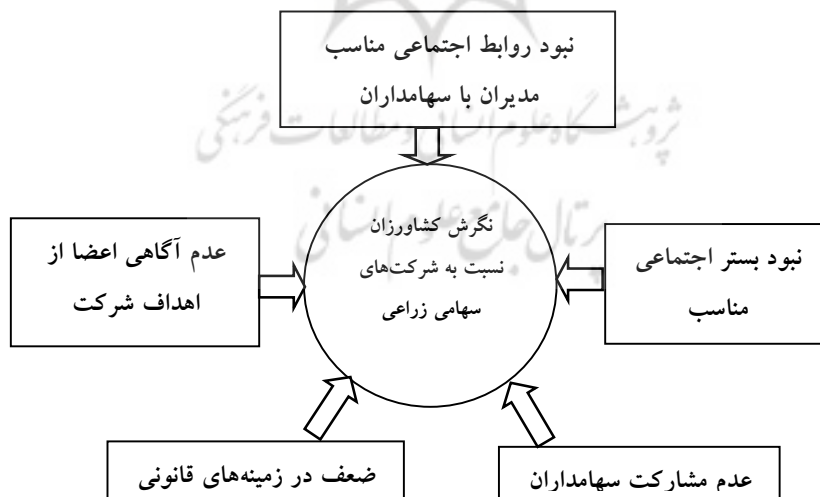
رستمی تبار، ۱۳۸۶: ۲۳)، پراکندگی اراضی، گسترش روزافزون خرده‌مالکی (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲) و مواردی از این دست، احیای نظام بهره‌برداری سهامی زراعی را به‌منابه راهی برای خروج از این بن‌بست می‌دانند (وزارت کشاورزی، ۱۳۷۲: ۷۱). از سوی دیگر، در سال‌های اخیر، اکثر صاحب‌نظران توسعه روستایی بر مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستا بیش از گذشته پافشاری می‌کنند. این افراد توسعه روستایی را بدون مشارکت روستاییان غیرممکن می‌دانند و معتقدند که هرگونه تغییر و تحولی در روستا باید از درون روستا آغاز شود و همه مردم فعالانه در اجرای آن مشارکت داشته باشند (صیدانی و دهقانی، ۱۳۸۹: ۲). بر این اساس، به نظر می‌رسد که از جمله اقدامات مهم برای پایداری و موفقیت طرح‌هایی نظیر احیای شرکت‌های سهامی زراعی آگاهی از دیدگاه‌ها و عقاید کشاورزان است.

برای بسط مقدماتی موضوع، لازم است مروری گذرا بر تعریف واژه «نگرش» صورت گیرد. نگرش، که از مفاهیم کاربردی در علم روان‌شناسی اجتماعی است، از دهه ۱۹۵۰، متداول شد و امروزه، یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد استفاده در این رشته محسوب می‌شود. نگرش در واژگان لاتین (optus) به معنی مناسبت و سازش یافتگی است و ریشه دیگر آن واژه aptitude بوده که به معنی حالت و آمادگی ذهنی یا فکری فرد برای انجام یک فعالیت است. افزون بر این، کریمی به نقل از آلپورت (۱۹۳۵) می‌نویسد: نگرش حالتی درونی و آمادگی ذهنی است و به‌جای اینکه علنی و عملی باشد، در درون فرد پنهان است. در واقع، نگرش رفتار نیست، بلکه پیش‌شرط رفتار به حساب می‌آید. اما اکثر روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که نگرش، نظامی بادوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و تمایل به عمل است (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۹۵). عنصر شناختی شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک اندیشه (مانند راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی) است؛ عنصر عاطفی آن است که معمولاً نوع احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد (مانند اینکه با دریافت واژه سهامی زراعی، چه احساسی در فرد شکل می‌گیرد)؛ و تمایل به عمل به‌منظور آمادگی برای پاسخ‌گویی، به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود (مانند تمایل و یا عدم تمایل به راه‌اندازی

شرکت‌های سهامی زراعی). این سه جزء اغلب رابطه نزدیک با یکدیگر دارند و در تعامل با یکدیگر، نظام نگرش افراد را تشکیل می‌دهند (شاه‌ولی و مشفق، ۱۳۸۴: ۲۷). اهمیت شناخت نگرش مثبت یا منفی کشاورزان در مورد اجرای برنامه‌های توسعه روستایی به‌طور اعم و راه‌اندازی تشکلهایی نظیر شرکت‌های سهامی زراعی به‌طور اخص بر کسی پوشیده نیست. تجربه نشان داده است که اگر کشاورزان نگرش منفی نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی داشته باشند، انتظار موفقیت و بقای این شرکت‌ها بی‌معنی خواهد بود (وزارت کشاورزی، ۱۳۷۲: ۱۱۱). به دیگر سخن، می‌توان شناخت نگرش و آمادگی ذهنی بهره‌برداران نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی را پیش‌شرط اصلی تحقق این پروژه دانست. مطالعات انجام‌شده و بحث پیرامون نگرش کشاورزان نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی محدود به منابع اندکی است. برای نمونه، مطالعاتی که در زمینه چگونگی راه‌اندازی این واحدها و میزان آگاهی دهقانان از نحوه تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی صورت پذیرفته، حاکی از نوعی تعجیل در راه‌اندازی این شرکت‌هاست.

مطالعه مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۴۸) در زمینه چگونگی تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی گرمسار، قصر شیرین، گلپایگان، و ساری حاکی از آن است که تشکیل و راه‌اندازی این شرکت‌ها در مدت کمتر از یک ماه بوده است (وزارت کشاورزی، ۱۳۷۲: ۳۸). شایان یادآوری است که حقوقی اصفهانی (۱۳۹۰) نیز در کتاب خود به برخی از مطالعات دهه اخیر پیرامون نگرش کشاورزان مناطق مختلف اشاره می‌کند. نتایج مطالعات مهندسین مشاور ویسان در شهرستان فردوس خراسان جنوبی نشان می‌دهد که نظر مالکان این منطقه نسبت به راه‌اندازی شرکت سهامی زراعی مثبت بوده است، در حالی که بررسی مطالعات اجتماعی در دو شهرستان درمیان و دشت درخ در خراسان جنوبی نشان می‌دهد که بهره‌برداران تمایل چندانی نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی ندارند (همان: ۱۹۸). با این همه، بر اساس نتایج مطالعه‌ای دیگر در روستای مهدی‌آباد شهرستان قاین، نگرش بهره‌برداران این روستا نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی مثبت است

(همان: ۱۹۹). همان‌گونه که اشاره شد، مطالعات اندکی پیرامون بررسی نگرش بهره‌برداران نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی انجام شده است؛ این خلاء در استان کرمانشاه نیز مشاهده می‌شود. در حال حاضر، آمارها نشان می‌دهد که گذشته از آنکه خرد شدن و پراکندگی قطعات مزروعی استان کرمانشاه رو به افزایش است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸)، تعاونی‌های کشاورزی نیز تأثیر چندانی در توسعه استان کرمانشاه نداشته‌اند (رستمی‌تبار، ۱۳۸۶). این نگرانی در مورد شهرستان کرمانشاه که رتبه اول را از نظر تولید محصولات کشاورزی در استان دارد، بیشتر احساس می‌شود (سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، ۱۳۸۸: ۷۳). بر این مبنای مطالعه حاضر با هدف شناخت نگرش کشاورزان دهستان میاندر بند شهرستان کرمانشاه نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی پایه‌ریزی شد. مرور منابع نشان داد که پنج مقوله در شکل‌گیری مدل مفهومی نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی دخیل‌اند (شکل ۱).



شکل ۱- مدل مفهومی نگرش کشاورزان نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی

روش‌شناسی

در مطالعه حاضر، به منظور بررسی نگرش کشاورزان نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی، از روش تحقیق کیفی^(۱) استفاده شد. همچنین، انتخاب منطقه به شیوه هدفمند^(۲) (Patton, 2002) صورت پذیرفت و دو روستای تکیه و سرآبله واقع در دهستان میاندریند شهرستان کرمانشاه، که پیش از انقلاب اسلامی عضویت در شرکت سهامی زراعی را تجربه کرده بودند، انتخاب شدند. متناسب با طبیعت تحقیقات کیفی (که در نمونه‌گیری، از نمونه‌گیری آماری تبعیت نمی‌کنند)، در پژوهش حاضر که در سال ۱۳۸۹ انجام گرفت، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بر این مبنای نخست، با همکاری و مساعدت مسئول مرکز خدمات دهستان میاندریند، ۲۴ نفر از رهبران محلی و سرگروه‌های هر دو روستا به صورت هدفمند انتخاب شدند. در ادامه، به منظور گردآوری داده‌ها، از فنونی نظیر گروه‌های متمرکز و مصاحبه عمیق^(۳) استفاده شد. مصاحبه‌ها بنا بر شرایط مصاحبه‌شوندگان هم به صورت انفرادی و هم به صورت جمعی و با حضور دو یا سه نفر کشاورزان انجام پذیرفت. در این روش، لازم است تا محقق دقیقاً به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان گوش کند و بدانها اجازه دهد که عقاید و افکار خود را بیان کنند (استرابرگ، ۱۳۸۴: ۵۸). سپس، با بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتوا^(۴)، پردازش داده‌ها انجام شد. تحلیل محتوا شیوه‌ای کیفی است و محققان از آن به عنوان یک روش انعطاف‌پذیر در تحلیل داده‌های متنی یاد می‌کنند (Cavanagh, 1997). این شیوه از سه نوع رویکرد متداول^(۵)، هدایت‌شده^(۶) و تلخیصی^(۷) تشکیل شده است (Hsieh and Shannon, 2005). در مطالعه حاضر، از روش تحلیل محتوای هدایت‌شده که مبتنی بر رویکرد قیاسی است، استفاده شد. البته برخی از محققان تحقیقات کیفی را در زمره تحقیقات استقرایی می‌دانند و برخی دیگر معتقدند که این روش تحقیق می‌تواند به دو شیوه استقرایی و قیاسی به کار گرفته شود (Daly, 2007; Mayring, 2000)، و به باور برخی دیگر از پژوهشگران، این

شیوه ترکیبی از رویکردهای استقرایی و قیاسی است (Daly, 2007). جالب آنکه هایکی و کیپینگ (Hickey and Kipping, 1996) بر این باورند که تحلیل محتوای هدایت‌شده نسبت به روش تحلیل محتوای متداول ساختاریافته‌تر است. در رویکرد هدایت‌شده، از یک نظریه یا یافته‌های مربوط به تحقیقات گذشته به صورت راهنمایی برای مصاحبه استفاده می‌شود. معمولاً هدف این رویکرد معترسازی یا گسترش یک چارچوب مفهومی یا نظری است (Hsieh and Shannon, 2005). این روش با شناسایی و استخراج مقوله‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه و تشکیل یک مدل مفهومی آغاز می‌شود (Potter, and Levine-Donnerstein, 1999). در این روش، داده‌ها را می‌توان به شیوه مصاحبه و با یک سؤال باز در ارتباط با مقوله‌های طبقه‌بندی‌شده جمع‌آوری کرد؛ سپس، متن‌ها و دست‌نوشته‌های جمع‌آوری‌شده مرور می‌شوند و متون دارای ارتباط معنایی با مقوله‌های استخراج‌شده کدگذاری می‌شوند و در طبقه خود جای می‌گیرند. در این روش، ممکن است نظریه مورد نظر تأیید و یا رد شود؛ همچنین، ممکن است در زمان جمع‌آوری داده‌ها، مقوله‌هایی جدید نیز استخراج شوند که به تکمیل مدل کمک کند (Hsieh and Shannon, 2005). در مطالعه حاضر، با بررسی مطالعات پیشین در زمینه شرکت‌های سهامی زراعی، پنج مقوله استخراج و در نهایت، در قالب یک مدل مفهومی ترسیم شد؛ سپس، به منظور بررسی دیدگاه‌های بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی، جلسات متعدد در روستاهای تکیه و سراپله برگزار شد. نخست، برای آشنایی بیشتر با مخاطبان و موضوع مطالعه، از روش طوفان اندیشه^(۸) بهره گرفته شد و از این رهگذر، به کشاورزان اجازه داده شد تا هر آنچه را که در مورد شرکت‌های سهامی زراعی می‌دانند، به زبان بیاورند. در ادامه، بر مبنای ماهیت روش تحلیل محتوای هدایت‌شده، از مخاطبان سؤالاتی جهت‌دار بر پایه مقوله‌های دخیل در مدل مفهومی پرسیده شد. سپس، با

بازخوانی دست‌نوشته‌های جمع‌آوری‌شده، عملیات کدگذاری و انطباق آنها با مقوله‌های مدل مفهومی انجام شد. برای روایی^(۹) و اعتبارسنجی یافته‌های تحلیل محتوا شیوه‌های مختلف معرفی شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به واریسی توسط همتایان یا همکاران^(۱۰)، درگیر بودن با موضوع به مدت طولانی^(۱۱)، مشاهده مستمر و موازی^(۱۲) و سه-گوشه‌سازی^(۱۳) اشاره کرد (Lincoln and Guba, 1985; Manning, 1997). در مطالعه حاضر، از روش واریسی توسط همتایان استفاده شد. بدین منظور، پس از مکاتبه با تعدادی از صاحب‌نظران توسعه روستایی، روایی نتایج به دست آمد. مراحل روش تحقیق حاضر در شکل ۲ آمده است.



شکل ۲- مراحل روش تحقیق

نتایج و بحث

عدم آگاهی اعضا از اهداف شرکت

«عدم آگاهی اعضا از اهداف شرکت» اولین مقوله تأثیرگذار در شکل‌گیری نگرش کشاورزان نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی شناخته شده است. از این‌رو، با توجه به ماهیت تحلیل

محتوای هدایت‌شده، سؤالاتی جهت‌دار مانند «آیا به شما گفته بودند شرکت به چه منظور تأسیس می‌شود؟» و یا «آیا به شما گفته بودند شرکت قرار است چه کارهایی برای شما انجام دهد؟» پرسیده شد. پاسخ‌های مخاطبان جالب بود؛ برای نمونه، یکی از افراد سالخورده که به گفته خودش، هنوز چک‌های شرکت سهامی زراعی پیشین را نگهداشته است، عنوان کرد: «گفتند می‌خواهیم یکپارچه کنیم»؛ برخی دیگر از مخاطبان چنین پاسخ دادند: «گفتند می‌خواهیم مکانیزه کشت کنیم» و «والله، برگه‌هایی دادند که امضا کنیم». به نظر می‌رسد این عدم آگاهی از اهداف و نحوه گردش کار شرکت از کوتاهی مسئولان وقت در آگاه‌سازی کشاورزان نسبت به اهداف و خط‌مشی‌های شرکت ریشه گرفته و افزون بر این، درک مفهوم واژه شرکت خود مسئله‌ای است که ظاهراً در شکل‌گیری نگرش سهامداران بی‌تأثیر نبوده است. برداشت بسیاری از سهامداران از مفهوم شرکت درست نبوده و این موضوع در جریان مصاحبه با کشاورزان آشکار شده است؛ برای نمونه، کشاورزان معتقد بودند: «شرکت مال ما نبود، دولتی بود».

عدم وجود روابط اجتماعی مناسب مدیران با سهامداران

در طول حیات شرکت‌های سهامی زراعی، به دلیل عدم وجود ارتباط مناسب بین سهامداران و کارکنان اداری و اعضای هیئت مدیره، تنش‌های اجتماعی فراوان وجود داشته است که بی‌تردید در نوع دیدگاه سهامداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی بی‌تأثیر نیست. در همین زمینه، وقتی از کشاورزان پرسیده شد: «رفتار مدیرعامل با شما چگونه بود؟ آیا از عملکرد مدیرعامل رضایت داشتید؟»، عده زیادی از آنها صراحتاً عدم رضایت خود را با جملاتی از این دست ابراز کردند: «هرچه مدیر می‌گفت ما باید انجام می‌دادیم؛ از ارباب بدتر بودند». همچنین، مخاطبان از نحوه مدیریت شرکت ناراضی و نسبت به مدیرعامل،

اعضای هیئت مدیره و کارکنان اداری بسیار بدبین و بی‌اعتماد بودند، به گونه‌ای که به گفته برخی از آنها: «از شرکت دزدی می‌شد و می‌گفتند جن گندم‌ها را از انبار برده». همچنین، نفوذ افراد قدرتمند از دیگر موارد مؤثر در شکل‌گیری دیدگاه حاضران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی مطرح شد؛ به دیگر سخن، ظاهراً با انتخاب اعضای هیئت مدیره از گروه‌های مرفه و سرشناس، فاصله اجتماعی میان قشرهای روستایی بیشتر شده بوده است، به گونه‌ای که برخی گفتند: «اعضای هیئت مدیره خان‌ها بودند» و «هیچ‌کدام از اعضا را ما انتخاب نکردیم». به طور کلی، بررسی نظرات کشاورزان نشان می‌دهد که ارتباط بین مدیرعامل و سهامداران شرکت سهامی زراعی پیشین متناسب نبوده است.

عدم مشارکت سهامداران

از مطالعات پیشین چنین برمی‌آید که مشارکت دهقانان در اداره امور شرکت بسیار ناچیز بوده است، چنان‌که وقتی نگارنده از کشاورزان پرسید: «آیا از تجربه‌های شما در کارها استفاده می‌شد؟»، پاسخ‌های آنها جالب بود؛ کشاورزان حاضر در جلسه معتقد بودند که حق هیچ‌گونه اظهار نظری پیرامون برنامه و رویه کار شرکت را نداشتند. برای نمونه، برخی نظر خود را چنین بیان کردند: «نمی‌گذاشتند سر زمین خودمان برویم؛ ما از زمین‌مان خبر داشتیم که چه کشت کنیم، بهتر است». جالب آنکه بیشتر افراد حاضر در جلسه جزییات شرکت پیشین را به خاطر می‌آوردند و نیز اکثر آنها نظرات مشابه داشتند. همچنین، کشاورزان مسئله عدم مشارکت و استفاده از تجارب خود را بارها در قالب جمله «با ما مشورت نمی‌کردند» تکرار کرده‌اند. افزون بر این، به نظر می‌رسد که به‌کارگیری کشاورزان در کارهای اداری و غیرتخصصی نظیر نگهبانی و آبدارخانه در شرکت‌های سهامی زراعی در شکل‌گیری نگرش کشاورزان نسبت بدین شرکت‌ها بی‌تأثیر نیست، چنان‌که به گفته مخاطبان، در آن دوران، این

مسئله سبب افزایش مهاجرت و بیکاری عده زیادی از سهامداران شده، به گونه‌ای که بسیاری از آنها بیان کردند: «همه بیکار شدیم» و «به بعضی‌ها گفتند بیا آبدارچی باش و یا نگهبانی کن». در نهایت، شرکت سهامی زراعی پیشین نقش سهامداران را در اجرای امور و مشارکت در برنامه‌ریزی نادیده گرفته و ظاهراً همین موضوع زمینه‌های نگرش منفی کشاورزان نسبت به راه‌اندازی مجدد این شرکت‌ها ایجاد کرده است.

عدم وجود بستر اجتماعی مناسب

در جریان اصلاحات ارضی، کشاورزانی که پس از سال‌ها صاحب ملکی شده بودند، ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی را به مثابه ارباب دانسته، تصور می‌کردند که با راه‌اندازی شرکت، مالکیت خود را از دست خواهند داد. جالب آنکه همچنان این عقیده در بین کشاورزان حاضر در جلسه وجود داشت، به گونه‌ای که وقتی از آنها پرسیده شد: «در آن زمان، از اینکه همه با هم شریک شوید و زمین‌هایتان یکی شد، راضی بودید؟»، همه ابراز نارضایتی کردند. برخی از مخاطبان پاسخ دادند: «هیچ وقت نمی‌خواستیم و نمی‌خواهیم به کسی وابسته باشیم» و «ما با برادر خودمان نمی‌سازیم، چه برسد با بقیه کشاورزان». همچنین، در بین کشاورزان انگیزه‌های فردی و عدم تمایل به کار گروهی به گونه‌ای است که بیشتر آنها معتقدند: «شراکت فایده‌ای برایمان نداشته و ندارد؛ درآمد فردی بیشتر از درآمد کارهای جمعی است». نتایج مصاحبه‌هایی که با کشاورزان این دو روستا انجام گرفت، حاکی از آن است که نوع نگرش کشاورزان نسبت به مالکیت زمین سبب ایجاد رفتارهای محافظه‌گرایانه و عدم مخاطره‌پذیری شده است. از سوی دیگر، بهره‌برداران از گذشته تاکنون فقدان مالکیت را کاهش منزلت اجتماعی خود قلمداد می‌کنند. برای نمونه، برخی همین مسئله را چنین اظهار کردند: «از وقتی شرکت زمین‌مان را گرفت، فامیل و رفیق ما را سرزنش کردند و اعتباری پیش‌شان نداشتیم». بنا به آنچه گفته شد، عدم وجود بستر اجتماعی مناسب چه در گذشته و

چه در حال حاضر می‌تواند در شکل‌گیری نوع نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی مهم محسوب شود.

ضعف در زمینه‌های قانونی

در زمینه وضع قانون و تنظیم اساس‌نامه شرکت‌های سهامی زراعی، می‌توان چنین اذعان کرد که قانون شرکت‌های سهامی زراعی در زمان خود و در بسیاری از موارد بی‌بندیل بوده است. عدم آشنایی با اجرای صحیح قوانین، فقدان قانون و فرمول مناسب در محاسبه سهام، ارزیابی‌های اشتاب‌زده، و تعیین سهام بر مبنای اسناد از جمله نمونه‌های حاکی از بی‌تجربگی مسئولان وقت در زمینه نحوه راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی است. تحلیل مصاحبه‌ها در روستاهای تکیه و سرابله نیز مؤید همین موضوع است، چنان‌که برخی از کشاورزان عنوان کردند: «ندانستیم روی چه حسابی به ما سهام دادند». همچنین، مطالعات نشان می‌دهد که رضایت تنها ۵۱ درصد از بهره‌برداران و نادیده گرفتن نظر ۴۹ درصد دیگر از بزرگ‌ترین نواقص اساسنامه بوده و این مسئله نیز از گفته‌های کشاورزان دریافت شده است. برای نمونه، برخی بیان کردند: «هر که زمین بیشتری داشت، راضی شد؛ والله همه ما راضی نبودیم، به زور رضایت‌مان را گرفتند».

همان‌گونه که در روش تحقیق اشاره شد، یکی از ویژگی‌های روش تحلیل محتوای هدایت‌شده استخراج مقوله‌های جدید است. بر این مبنای، از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، دو مقوله جدید به دست آمد که در ادامه، ارائه می‌شوند.

تجربه‌های تلخ گذشته

به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفت کشاورزان با راه‌اندازی مجدد شرکت‌های سهامی زراعی حضور سهامداران ناراضی از شرکت‌های پیشین باشد. اثرات منفی شرکت

پیشین به حدی در آنها تأثیر گذاشته است که کشاورزان حاضر در جلسه حتی باور نمی‌کردند که اثری از شرکت‌های یادشده در کشور باقی مانده و مشغول به فعالیت باشند. به دیگر سخن، خاطرات و تجاربی که از شرکت سهامی زراعی پیشین در اذهان کشاورزان این منطقه به جا مانده است، چه بسا مانعی بزرگ در مسیر راه‌اندازی مجدد این شرکت‌ها محسوب شود. برای نمونه، افرادی که این شرکت‌ها را به خاطر می‌آوردند، نارضایتی خود را چنین عنوان کردند: «اصلاً خاطره خوبی از شرکت نداریم» و «شرکت به زور زمین‌هایمان را گرفت». همچنین، بر اساس نتایج تحلیل داده‌ها، تجربه عدم موفقیت گروه‌های مشاعی که اخیراً کشاورزان این منطقه به‌طور خودجوش تشکیل داده‌اند، سبب شده تا کشاورزان تمایلی نسبت به انجام کار جمعی نداشته باشند. تعدادی از آنها معتقد بودند که «پارسال گروه‌های مشاع داشتیم که خوب نبود؛ بعضی‌ها فعال‌اند و بعضی بی‌مسئولیت، هیچ کاری به‌موقع انجام نمی‌شد، چون همه کار خود را به دیگری می‌دادند».

نارضایتی مردم از عملکرد برخی سازمان‌های دولتی بعد از انقلاب

بر پایه نتایج تحلیل مصاحبه‌ها، بر اثر مواردی نظیر عدم رضایت بهره‌برداران نسبت به تعاونی آب‌بران، عدم رضایت از طرح تجهیز و نوسازی اراضی (کانال‌کشی) و عدم رضایت از شرکت‌های خدماتی، کشاورزان دو روستای تکیه و سرابله از عملکرد این سازمان‌های دولتی چندان رضایت نداشته باشند. برای نمونه، برخی معتقد بودند که «تعاونی آب‌بران برایمان فایده‌ای نداشته»، «از اول می‌دانستیم کانال به‌درد نمی‌خورد و هیچ‌وقت آب سد وارد کانال نمی‌شود» و «شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای هم برایمان کاری نمی‌کنند، فقط جی پی اس دستشان می‌گیرند؛ اصلاً احتیاجی به مشاوره نداریم».

جدول ۱- تحلیل دیدگاه‌های کشاورزان به روش تحلیل محتوای هدایت‌شده



مأخذ: یافته‌های پژوهش

سرانجام، تحلیل مصاحبه‌ها در دو روستای تکیه و سرآبله با استفاده از روش تحلیل محتوای هدایت‌شده نشان داد که پنج مقوله «عدم آگاهی اعضا از اهداف شرکت»، «عدم وجود روابط اجتماعی مناسب مدیران با سهامداران»، «عدم مشارکت سهامداران»، «عدم وجود بستر مناسب اجتماعی» و «ضعف در زمینه‌های قانونی» در شکل‌گیری نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی مؤثرند. از سوی دیگر، با بهره‌گیری از تحلیل محتوای هدایت‌شده، دو مقوله جدید «تجربه‌های تلخ گذشته» و «نارضایتی مردم از عملکرد برخی سازمان‌های دولتی بعد از انقلاب» آشکار شد. همچنین، نتایج روایی مطالعه به روش واریس توسط همکاران نشان داد که مقوله‌هایی همچون «نبود تکلیف مالکیت سهام در بین وراثت پس از فوت رئیس خانوار»، «محو تدریجی دانش بومی سهامداران در مدیریت مزرعه»، «بی‌اعتبار شدن تدریجی بنیان‌های ارتباطی مردم روستا» و «مهاجرت کشاورزان به شهرها» ممکن است در نوع نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی بسیار تأثیرگذار باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج تحلیل داده‌ها در دو روستای تکیه و سرآبله به روش تحلیل محتوای هدایت‌شده، مدل مفهومی نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی تأیید و تکمیل شد. به دیگر سخن، نتایج نشان می‌دهد که با گذشت سی سال از انحلال شرکت‌های سهامی زراعی در دو روستای تکیه و سرآبله، تغییری در نگرش بهره‌برداران نسبت به این نوع نظام بهره‌برداری ایجاد نشده است. از این‌رو، در راستای مدل مفهومی یادشده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که عدم آگاهی اعضا از اهداف شرکت ریشه در عدم درک صحیح از مفهوم شرکت و فقدان آگاهی از نحوه عملکرد آن داشته است. افزون بر این، عدم مشارکت سهامداران مقوله دیگری است که در تبیین مدل مفهومی نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی نقش مهم ایفا می‌کند. در این راستا، مخاطبان معتقد بودند که در

انجام امور مربوط به مدیریت شرکت هیچ‌گونه مشارکتی نداشتند و جالب آنکه از آنها به عنوان کارگر و یا آبدارچی شرکت استفاده می‌شد. از سوی دیگر، نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس مدل مفهومی نشان داد که ضعف در زمینه‌های قانونی و ارزیابی‌های شتاب‌زده در شکل‌گیری نگرش بهره‌برداران این منطقه نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی تأثیر به‌سزا داشته است. همچنین، شاید بتوان عدم وجود بستر اجتماعی مناسب را از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری نوع نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی عنوان کرد. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که عواملی نظیر عطش تملک بر زمین می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد نگرش منفی بهره‌برداران نسبت به این شرکت‌ها باشد. در ادامه، با استفاده از تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل محتوای هدایت‌شده، دو مقوله «تجربه‌های تلخ گذشته» و «نارضایتی از عملکرد برخی سازمان‌های دولتی بعد از انقلاب» به‌دست آمد. نکته قابل توجه آنکه علاوه بر تأیید روایی یافته‌ها توسط متخصصان توسعه روستایی، مقوله‌های دیگری نظیر «معلوم نبودن تکلیف مالکیت سهام در بین وراثت پس از فوت رئیس خانوار»، «محو تدریجی دانش و مهارت‌های بومی سهامداران در فرآیند تولید و مدیریت مزرعه»، «بی‌اعتبار شدن تدریجی بنیان‌های ارتباطی مردم روستا» و «مهاجرت کشاورزان صاحب سهام و خوش‌نشین به شهرها» به مدل مفهومی اضافه شد. در نهایت، به نظر می‌رسد که توجه به نگرش بهره‌برداران در جریان راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی امری ضروری خواهد بود. به دیگر سخن، هرگونه اقدام برای راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی بدون توجه به نگرش ذی‌نفعان پیامدهایی ناخوشایند به همراه خواهد داشت. از این‌رو، از آنجا که تغییر نگرش دارای بار فرهنگی است و ترویج به مفهوم مهندسی تغییر رفتار است، پیشنهاد می‌شود که تشکیلات ترویج به عنوان متولی اصلی وارد میدان شده و زیرساخت‌های روانی و اجتماعی لازم برای تغییر نگرش کشاورزان نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی را فراهم سازند. بی‌تردید، این مهم با بهره‌گیری از رسانه ملی و تهیه فیلم و گزارش از شرکت‌های موفق و ایجاد زمینه بازدید کشاورزان از شرکت‌های سهامی زراعی موجود میسر می‌شود. از جمله راهکارهای

اساسی در تغییر نگرش کشاورزان این منطقه نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی بازدید این افراد از این‌گونه شرکت‌ها و نیز شرکت‌های مشابه موفق در زمینه تولیدات کشاورزی است. همچنین، نقش فعال دولت و انفعال کشاورزان منطقه در اموری که بین دولت و مردم مشترک است، بر این انزوای دامن زده و حرکت در راستای تشکیل چنین نظام‌هایی را با چالش مواجه ساخته است. از این‌رو، سپردن اموری از قبیل مدیریت حفظ و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و به‌طور کلی، پروژه‌های توسعه‌ای که دولت در منطقه مورد مطالعه اجرا کرده است، زمینه اعتمادسازی بین مردم و مسئولان را فراهم خواهد ساخت. تضمین اولیه درآمد و مالکیت مردم در شرکت‌های سهامی زراعی از طریق ارائه اسناد قانونی و همچنین، منابع مالی به نام کشاورزان به عنوان آورده اولیه و سودهای روزشمار و ماهانه سهام می‌تواند مشارکت مردم منطقه را به تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی جلب کند. همچنین، کار روی افرادی که زمین‌ها را به دلایل مختلف رها کرده و در شهرها سکونت کرده‌اند، می‌تواند آغازگر فعالیت‌های احداث شرکت‌های سهامی زراعی در منطقه باشد. اجاره زمین‌های کشاورزی از سوی نهادهایی همچون شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای و شرکت‌های تعاونی و شروع به عملیات کشاورزی علمی و با بهره‌وری بالا می‌تواند نگرش و باورهای مردم را به کشاورزی در مقیاس بزرگ و علمی تغییر داده و پیش درآمدی بر تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی در منطقه باشد.

یادداشت‌ها

- | | |
|----------------------------------|----------------------------|
| 1. Qualitative Research | 8. Brain Storm |
| 2. Purposeful Sampling | 9. Credibility |
| 3. In-Depth Interview | 10. Peer Debriefing |
| 4. Content Analysis | 11. Prolonged Engagement |
| 5. Conventional Content Analysis | 12. Persistent Observation |
| 6. Directed Content Analysis | 13. Triangulation |
| 7. Summative Content Analysis | |

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*. تهران: اطلاعات.
- امینی، امیرمظفر و رضانی، مسعود (۱۳۸۵)، «بررسی عوامل مؤثر در موفقیت شرکت‌های تعاونی کشاورزان مرغداران گوشتی استان اصفهان». *علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی*، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۳۵.
- امینی، امیرمظفر؛ زینل همدانی، علی؛ و رضانی، مسعود (۱۳۸۷)، «ارزیابی مهم‌ترین مؤلفه‌های درون‌سازمانی در موفقیت شرکت‌های تعاونی مرغداران تهران». *علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی*، سال ۱۲، شماره ۴۳ (الف)، صص ۲۸۵-۲۹۵.
- استرابرگ، کریستین جی. (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی*. ترجمه احمد احمدپور و علی شجاعی. یزد: دانشگاه یزد.
- توحید، لیلا (۱۳۶۹)، «بررسی اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرکت سهامی زراعی و تعاونی‌های تولیدی روستایی». *مجموعه مقالات دومین سمینار مشترک شرکت سهامی زراعی و تعاونی‌های تولیدی روستایی و کشت و صنعت‌ها*، ۳۹۸.
- حقوقی اصفهانی، مرتضی (۱۳۹۰)، *شرکت‌های سهامی زراعی، الگویی در نظام بهره‌برداری کشاورزی ایران*. تهران: کندوکاو، جامعه مشاوران ایران.
- رستمی تبار، فاروق (۱۳۸۶)، *بررسی میزان موفقیت فنی و اجتماعی تعاونی‌های تولید روستایی استان کرمانشاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی روستایی (ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران)*. تهران: دانشگاه تهران. چاپ دوم، صص ۴۰۵-۴۰۸.
- سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه (۱۳۸۸)، *سیمای کشاورزی دهستان‌ها*. کرمانشاه: سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه.
- شاه‌ولی، منصور و مشفق، ژیلا (۱۳۸۴)، «بررسی نقش کاریکاتور در تغییر نگرش کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی شیراز نسبت به کشاورزی پایدار». *علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی*، شماره ۱، صص ۲۵-۴۰.
- صیدانی، اسکندر و دهقانی، امین (۱۳۸۹)، «نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی: با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی». *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره ۱، صص ۱-۱۸.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۳)، *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: بعثت. چاپ اول، ص ۲۹۵.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، *سالنامه آماری استان کرمانشاه*. قابل دسترس در: www.sci.org.ir
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، *سالنامه آماری استان کرمانشاه*. قابل دسترس در: www.sci.org.ir
- وزارت کشاورزی (۱۳۷۲)، *شرکت‌های سهامی زراعی*. تهران: وزارت کشاورزی، معاونت امور واحدهای تولیدی و کشت‌و صنعت‌ها.
- وثوقی، منصور (۱۳۶۹)، *جامعه‌شناسی روستایی*. چاپ سوم. تهران: کیهان.
- Cavanagh, S. (1997), "Content analysis: concepts, methods and applications". *Nurse Researcher*, 4(3).
- Daly, K. J. (2007), *Qualitative Methods for Family Studies and Human Development*. CA: Sage, Thousand Oaks.
- Hickey, G. and Kipping, E. (1996), "A multi-stage approach to the coding of data from open-ended questions". *Nurse Researcher*, 4: 81-91.
- Hsieh, H. and Shannon, S. E. (2005), "Three approaches to qualitative content analysis". *Qualitative Health Research*, 15: 1277-1288.
- Lincoln, Y.S. and Guba, E. G. (1985), *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Manning, K. (1997), "Authenticity in constructivist inquiry: methodological considerations without prescription". *Qualitative Inquiry*, 3: 93-115.
- Mayring, P. (2000), "Qualitative content analysis". *Qualitative Social Research*, 1(2). Available on: <http://217.160.35.246/ffqs-texte/2-00/2-00mayring-e.pdf>. Retrieved at: 28/7/2008.
- Patton, M. Q. (2002), *Qualitative Research and Evaluation Methods*. CA: Sage, Thousand Oaks.
- Potter, W. J. and Levine-Donnerstein, D. (1999), "Rethinking validity and reliability in content analysis". *Journal of Applied Communication Research*, 27: 258-284.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی